



## طلاق در امریکا

کد مطلب: ۵۰۷۲ - تاریخ انتشار: پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۳۱

امیر فیروزی راد

همانند ازدواج، طلاق نیز در آمریکا براساس قوانین ایالتی و نه فدرال انجام می‌شود، به این معنی که قوانین طلاق در ایالات مختلف آمریکا تفاوت‌هایی دارد و دولت مرکزی دخالت چندانی در این موضوع ندارد. تصمیم قانونی برای طلاق از سوی قاضی یا سایر مراجع قانونی اتخاذ می‌شود. براساس قانون، پروسه طلاق می‌تواند شامل مواردی چون حضانت بچه‌ها، حمایت مالی از آنها، تقسیم دارایی‌ها و بدهی‌ها شود.

قانون طلاق از یک ایالت به ایالت دیگر تفاوت‌هایی دارد. در بعضی از ایالت‌ها برای درخواست طلاق یکی از زوجین باید دلیل محکمه‌پسندی مبنی بر ضرورت جدایی از همسر خود به دادگاه ارائه دهد. اما در ایالتی دیگر اجازه طلاق بدون ارائه دلیل و شواهدی علیه همسر به آسانی به اجرا درمی‌آید. دادگاه همچنان می‌تواند در مورد نحوه رفتار زوجین در مورد مواردی چون تقسیم دارایی‌ها، بدهکاری‌ها، حضانت بچه‌ها و حمایت مالی از آنها دخالت کند. در حال حاضر، امکان درخواست طلاق بدون ارائه دلایل محکمه‌پسند در همه ایالات آمریکا وجود دارد. در سال‌های اخیر بسیاری از دادگاه‌ها در ایالت‌هایی مانند کارولینای شمالی و نیویورک حکم به یک‌سال جدایی قانونی و فیزیکی پیش از صدور نهایی حکم طلاق رسمی را می‌دهند. این نحوه تصمیم‌گیری باعث شده تا در این ایالت‌ها برای تعریف این فاصله یک‌ساله از عبارت حقوقی «جدا شده» (separated) استفاده کنند تا شرایط حقوقی دوطرف به درستی بیان شود. «جدا شده» یعنی کسی که نه متأهل است و نه مطلقه.

تا پیش از دهه ۷۰ میلادی فرد درخواست‌دهنده طلاق برای ارائه درخواست باید این دعوی را مطرح می‌کرد که همسرش مرتکب جنایت یا گناهی مانند زنا یا ترک همسر شده است. وقتی در شرایط عادی فردی با همسرش تفاهم نداشت، وکیل او مجبور می‌شود پرونده طلاق توافقی را برای وی باز کند. «انقلاب طلاق» بدون دلیل محکمه‌پسند، در سال ۱۹۶۹ در کالیفرنیا روی داد و نیویورک آخرین ایالت از مجموع ایالت‌های آمریکا بود که در سال ۲۰۱۰ این قانون را تصویب کرد. میانگین عمر ازدواج در آمریکای امروزی ۱۱ سال است و در ۹۰ درصد طلاق‌ها پیش از برگزاری دادگاه میان زن و مرد برای انجام طلاق توافق وجود دارد.

در قوانین قضایی اکثر ایالت‌های آمریکا، طلاق بایستی به ثبت در دادگاه برسد تا جنبه رسمی پیدا کند. شرایط طلاق به طور معمول توسط دادگاه تعیین می‌شود، گرچه این شرایط می‌تواند براساس شروط پیش از ازدواج یا شروط تعیینی پس از ازدواج یا توافقاتی که زوجین با یکدیگر به طور شخصی انجام می‌دهند، روی دهد. در وضعیتی که شروط طلاق غیرتوافقی میان زوجین وجود نداشته باشد، طلاق غیرتوافقی روی می‌دهد که می‌تواند برای زوجین بسیار استرس‌زا باشد و هزینه مالی سنگینی را هم برای انجام مراحل قانونی به آنها تحمیل کند. در سال‌های اخیر، شیوه‌هایی که باعث می‌شود رسیدن به توافق برای طلاق با بحث‌های کمتری همراه باشد، به وجود آمده‌اند که می‌توان به عنوان نمونه به وساطت یا طلاق توافقی که نتیجه مذاکره دوطرفه و رسیدن به شرایطی که مورد توافق دوطرف برای حل مسئله است اشاره کرد. در مواردی که پای بچه‌ها هم در میان است، دولت توجه خاصی به مسئله دارد تا مطمئن شود که مشاجرات میان مادر و پدر از درون دادگاه به بیرون درز نکند. در حال حاضر همه ایالت‌ها پدر و مادری را که از هم جدا می‌شوند وادار می‌کنند تا «برنامه فرزندداری» خود را برای نگهداری صحیح از بچه‌ها پس از طلاق ارائه دهند.

### قانون طلاق

طلاق در ایالات متحده براساس قوانین ایالتی انجام می‌شود و قوانین فدرال یا ایالت مرکزی نقش کوچک‌تری در مسئله طلاق دارند. در سال‌های اخیر، قوانین ایالتی بیشتری به تصویب رسیده که حقوق و وظایف افراد را در طلاق تحت تأثیر قرار داده است.

طلاق بدون دلیل محکمه‌پسند که انقلابی در قانون طلاق ایالات متحده بوده است، از سال ۱۹۵۳ در ایالت اوکلاهما کلید خورد، اما در سال ۱۹۶۹ و در ایالت کالیفرنیا به نتیجه رسید، در نهایت نیز در سال ۱۹۸۵ این قانون در ایالت داکوتا کامل شد. تا ۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۰ همه ایالت‌های آمریکا قانون طلاق بدون دلیل محکمه‌پسند را به تصویب رسانده بودند.

به طور معمول، یک درخواست طلاق در بخش خانواده دادگاه شهر موردنظر ارائه می‌شود. با وجود عمومی‌شدن قانون طلاق بدون دلیل محکمه‌پسند در حال حاضر در برخی از ایالت‌ها طلاق با ارائه شواهد و دلایل هنوز هم به قوت خود باقی است. در بیشتر ایالت‌ها برای رسمی‌شدن طلاق رضایت دوجانبه یا دوره انتظاری شش‌ماهه تا

دوساله پیش از قطعی شدن طلاق الزامی است. عده‌ای بحث کاستی‌های قانون طلاق بدون دلیل محکمه‌پسند را از این نظر که نارضایتی یکی از طرفین قرارداد ازدواج اهمیت دارد، مطرح می‌کنند. به باور آنها، در میان همه قراردادهای رسمی موجود، ازدواج آسان‌ترین قرارداد برای فسخ کردن است. در سال‌های اخیر عده‌ای به حمایت از اصلاحات میانه‌روانه در مسئله طلاق روی آورده‌اند که به موجب آن برای انجام یک طلاق بدون دلیل محکمه‌پسند رضایت دو طرف ضروری است. هرچند این پیشنهاد تا به امروز در هیچ‌یک از ایالت‌ها به تصویب نرسیده است. پرونده‌های طلاقی که در آن یکی از دو طرف شواهدی مبنی بر رفتار مجرمانه یا غیراخلاقی طرف مقابل ارائه می‌دهند هنوز هم در دادگاه‌ها دیده می‌شوند. دلایلی برای شکل‌گیری چنین پرونده‌هایی با وجود قانون طلاق بدون ارائه دلیل محکمه‌پسند وجود دارد. این شکل از درخواست طلاق گاهی با هدف کوتاه‌تر کردن دوره انتظار تا رسمی‌شدن حکم طلاق انجام می‌شود. همچنین طلاق با ارائه دلیل می‌تواند باعث تحت‌تأثیر قرار گرفتن مسائلی چون حضانت و موارد مالی در حکم نهایی دادگاه شود. قوانین ایالت‌ها در نحوه پذیرش و بررسی پرونده‌های چنین طلاق‌هایی تفاوت‌هایی دارند. اما در بیشتر موارد گشایش یک پرونده طلاق بدون ارائه دلیل محکمه‌پسند بسیار آسان‌تر است. گرچه شرایط انجام یک طلاق می‌تواند (و غالباً این‌گونه است) به صلاح مسائل مربوط به بچه‌ها باشد و همچنین از نظر مالی به سود طرف درخواست‌کننده طلاق باشد. نهایتاً بیشتر پرونده‌های طلاق در آمریکا با رسیدن توافق میان زن و مرد در مورد نحوه انجام آن و جزئیات حکم دادگاه پیش از برگزاری دادگاه انجام می‌شود.

### شیوه‌های رسیدن به تفاهم برای طلاق

وساطت و توافق (Mediation) یک شیوه جایگزین برای حل مسائل مربوط به طلاق در آمریکاست. این شیوه می‌تواند درگیری‌ها را کاهش دهد(این موضوع به‌خصوص به سود بچه‌هاست)، کنترل دو طرف را بر زندگی شخصی در دوران انجام طلاق آسان‌تر می‌کند و باعث حفاظت بهتر از حریم خصوصی افراد می‌شود. صرفه‌جویی مالی در پروسه طلاق یکی دیگر از امتیازهای این روش است. علاوه بر اینها، نتایج این توافق‌ها به طور معمول با نتایج پرونده‌هایی که زن و مرد درباره شرایط طلاق در آنها توافق ندارند مشابه است. دادگاه‌ها نیز به طور معمول پرونده طلاقی را که با توافق از قبل تشکیل شده باشد زودتر به انجام می‌رسانند. «قانون مشترک» (Collaborative law) نیز شیوه دیگری است که نتایج تقریباً مشابهی با شیوه توافق دارد. در قانون مشترک هر دو طرف طلاق از طرف وکیل خاص خود نمایندگی می‌شوند و برای رسیدن به توافق مشترک گفت‌وگو می‌کنند. مشاوره و حمایت‌های بیشتر از سوی وکلا و کارشناسان بی‌طرف (برای مثال، کارشناسان مالی) می‌تواند روی افزایش آمار کسب موفقیت در طلاق با این شیوه تأثیر مثبت بگذارد. اگر پروسه طلاق با قانون مشترک به شکست بیانجامد، وکلای زن و شوهر برکنار شده و مشاوران جدیدی جایگزین آنها می‌شوند. دلیل این عمل، ایجاد انگیزه شخصی برای وکلای درگیر در پرونده‌های توافق مشترک برای به نتیجه رساندن پرونده‌هاست. بنابراین وکلایی که در این پرونده‌ها وارد می‌شوند، آموزش‌ها و مهارت‌های لازم برای کمک به دو طرف پرونده برای رسیدن به توافق را کسب می‌کنند.

جدایی با توافقاتی که براساس فعالیت‌های خارج از دادگاه انجام می‌شود می‌تواند باعث کاهش ضربات روحی حاصل از طلاق برای زن و مرد شود. اما عده‌ای بر این عقیده‌اند که رسیدن به توافق برای همه افراد و روابط گوناگون شاید مناسب نباشد. به‌خصوص در مواردی که سوءاستفاده فیزیکی یا احساسی انجام شده و یا در مواردی که میان زوجین فقدان توازن قدرت و آگاهی و یا نابرابری مالی برقرار است. بیشتر وکلای طلاق افراد را تشویق می‌کنند که با یکدیگر به توافق برسند حتی در هنگامی که دیگر روش‌های جدایی به کار گرفته نشده است.

### تقسیم اموال پس از طلاق

در مورد دارایی‌های زن و مرد، ایالت‌ها قوانین گوناگونی دارند. بعضی از ایالت‌ها از قاعده «community property» استفاده می‌کنند که براساس آن بیشتر دارایی‌هایی که زن و شوهر در طول زندگی به دست آورده‌اند(به‌جز هدایا و ارث) تحت مالکیت هر دو نفر است و در صورت طلاق یا مرگ تقسیم می‌شود. این قانون بیشتر در ایالت‌های غربی اجرا می‌شود.

تقسیم دارایی براساس این قانون شاید با تقسیم اقامت انجام شود و یا با ارزش‌گذاری روی آنها. در برخی دادگاه‌ها مانند دادگاه‌های کالیفرنیا تقسیم ۵۰/۵۰ دارایی‌ها با دقت کامل و توسط دادگاه انجام می‌شود. علاوه بر این، دارایی‌های شخصی و مشترک زن و شوهر هر دو مورد محاسبه قرار می‌گیرد. اما تقسیم دارایی در دادگاه‌های ایالت‌های دیگر، برای مثال، تگزاس با شیوه «equitable distribution» انجام می‌شود، به این معنی که تنها دارایی‌های مشترک به طور مساوی تقسیم می‌شود.

دارایی‌هایی که پیش از ازدواج تحت مالکیت یکی از زوجین بوده است، جزو اموال اختصاصی فرد محسوب می‌شود، مگر اینکه آن اموال در جریان ازدواج تبدیل به دارایی‌های مشترک زوجین شود. البته قانون درباره این موضوع میان ایالت‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد.

قانون «community property» در ایالت آریزونا، کالیفرنیا، آیداهو، لوئیزیانا، نوادا، نیومکزیکو، تگزاس، واشنگتن و ویسکانسین اجرا می‌شود. اما اجرای این شیوه در هیچ‌یک از این ایالت‌ها کاملاً مشابه یکدیگر نیست.

غیر از ایالت ذکر شده در بالا، سایر ایالت‌ها قانون «equitable distribution» یا ترکیبی از این دو قانون را به کار می‌برند. در اجرای قانون «equitable distribution» این‌گونه فرض شده است که عدالت به طور مشخص به معنی تقسیم مساوی دارایی‌ها نیست و گاهی باید به یکی از زوجین سهم کمتر یا بیشتری برسد. هدف این بوده که اطمینان حاصل شود که بچه‌های طلاق با مشکلات معیشتی روبه‌رو نشوند. این‌گونه که پدر یا مادری که مسئولیت حضانت توسط دادگاه به وی داده می‌شود (یا در احکام حضانت مشترک هر کدام از این دو نفر که زمان بیشتری را برای نگهداری از فرزند صرف می‌کنند) پس از طلاق سهم بیشتری از دارایی‌های خانواده را دریافت می‌کنند تا بتوانند هزینه‌های نگهداری از فرزند را پرداخت کنند. به طور معمول، در این ایالت‌ها اموالی که زن و مرد پیش از ازدواج داشته‌اند جزو اموال شخصی آنها و اموالی که پس از ازدواج به دست آورده‌اند جزو اموال مشترک محسوب می‌شود.

#### نفقه

نفقه که در آمریکا به آن «حمایت همسر» هم می‌گویند، هنوز هم در بسیاری از موارد ازدواج و به‌خصوص در ازدواج‌هایی که سال‌های زیادی از آن می‌گذرد، پرداخت می‌شود. نفقه بیشتر در مواردی پرداخت می‌شود که یکی از زوجین نیاز به درمان یک بیماری سخت دارد و یا اینکه شغل خود را از دست داده است و یا

اینکه به طور دائم خود را وقف مسائل مربوط به خانه‌داری و خانواده کند. اما پرداخت ثابت نفقه در برخی موارد ازدواج انجام می‌شود.

## صدور حکم طلاق

در ایالات متحده حکم طلاق پیش از رسیدگی به چند مورد اساسی صادر نمی‌شود. برای صدور حکم بایستی همه سؤال‌ها در مورد مسائل مربوط به نگهداری از فرزند و حضانت، موضوع دارایی‌ها و حمایت مالی مداوم پاسخ کاملی گرفته باشند. در میانه دهه ۹۰ میلادی تعداد اندکی از ایالت‌ها قانون «covenant marriage» را تصویب کردند که به موجب آن زن و شوهر می‌توانند به طور داوطلبانه انجام طلاق بین خود را از آنچه در مفاد قانون طلاق بدون دلایل شواهد محکمه‌پسند وجود دارد مشکل‌تر سازند. برای مثال، زن و شوهری که انجام تعهد «covenant marriage» را انتخاب می‌کنند، احتمال دارد مجبور باشند برای انجام یک طلاق رسمی تن به مشاوره ویژه پیش از طلاق دهند یا از نظر قانونی وادار شوند که برای طلاق خود از شیوه وساطت و توافق استفاده کنند. در ایالت‌هایی که قانون «covenant marriage» در آنها وجود ندارد، بعضی از تازه‌عروس و دامادها قرارداد اضافی را هنگام ازدواج امضا می‌کنند که محدودیت‌های طلاق ذکر شده در قانون «covenant marriage» را شامل می‌شود.

## طلاق موجز

پروسه طلاق به‌طور کلی در ایالات متحده آمریکا کوتاه نیست و عده‌ای حتی حاضرند تن به سفر به ایالت‌های دیگر بدهند تا راحت‌تر از یکدیگر جدا شوند. برای نجات از این مشکل، طلاق موجز یا طلاق ساده طراحی و تصویب شده است.

زن و شوهری که بخواهند به طور موجز طلاق بگیرند باید شرایط خاصی داشته باشند یا بتوانند بر سر چند مسئله کلیدی از قبل به توافق برسند. سن یک زندگی مشترک برای طلاق موجز باید کمتر از پنج سال باشد، پای کودکی در میان نباشد (هرچند ایالت‌هایی هستند که برای طلاق موجز، مشکل زوجینی را که بچه هم دارند، حل می‌کنند)، دارایی اندک داشته باشند و مالک املاکی نباشند که قابل بررسی در دادگاه باشد، دارایی مشترک زن و شوهر به‌جز وسایل نقلیه آنها کمتر از ۳۵ هزار دلار باشد و دارایی شخصی زوجین هم در همین حدود باشد.

## آمار طلاق در آمریکا

آمریکا با نرخ طلاق حدود پنج نفر در هر هزار نفر از جمله کشورهایی است که در صدر آمار طلاق در جهان قرار دارد. البته عموم این باور غلط را در ذهن دارند که نیمی از ازدواج‌ها در آمریکا به طلاق می‌انجامد؛ ادعایی که اساساً اشتباه است و به خاطر نگاه و تحلیل غلط آمار انجام می‌شود، به این معنی که به طور سالانه تعداد ازدواج‌های ثبت شده در آمریکا دو برابر طلاق‌ها در همان سال است، اما این ثابت نمی‌کند که از هر دو ازدواج، کار یکی به طلاق می‌کشد زیرا آمار سالانه طلاق تنها مربوط به ازدواج‌هایی که در همان سال انجام شده نیست و آمار قابل اتکا را باید در آمار درصدی طلاق در ۱۰ سال اول زندگی مشترک پیدا کرد. ارقام سیستم ملی آمار حیاتی ایالات متحده نشان می‌دهد که نرخ ازدواج در میان هر هزار نفر جمعیت آمریکا در سال ۲۰۰۰، ۲/۸ نفر (۲۱۳۵۰۰ نفر) بوده است و این نرخ تا سال ۲۰۰۹ کاهش ثابتی را به خود دیده و به رقم ۸/۶ نفر (۲۰۸۰۰۰۰ نفر) رسیده است. این کاهش نرخ در تعداد ازدواج‌ها در طلاق‌ها نیز مشاهده شده است، به این صورت که نرخ طلاق در هر هزار نفر در سال ۲۰۰۰، چهار نفر (۹۴۴۰۰۰ نفر) و این عدد با شیبی ثابت در طی ده سال و در سال ۲۰۰۹ به ۵/۳ نفر در هزار نفر (۸۴۰۰۰۰ نفر) رسیده است.

در بررسی اعداد و ارقام مربوط به طلاق در آمریکا چند نکته مهم را نباید از نظر دور داشت. به علت ایالتی بودن مسئله طلاق، در بعضی ایالت‌ها آمار دقیقی در این‌باره وجود ندارد و جالب است بدانید که مرکز ملی آمار سلامت ایالات متحده از سال ۱۹۹۶ تاکنون هیچ آماری از تعداد طلاق‌ها ارائه نداده است و در فقدان این آمارها نظرسنجی‌های ایالتی آماری را ارائه می‌دهند که نمی‌توان به دقت آنها اطمینان کامل داشت. جالب‌تر اینکه اگر بخواهید آمار طلاق در کالیفرنیا، ایندیانا و لوئیزیانا را بیابید، کار سخت‌تری در پیش‌رو دارید زیرا این ایالت‌ها شمارش تعداد طلاق‌ها را عملاً از دهه ۸۰ متوقف کرده‌اند. در حال حاضر تعداد طلاق‌ها ۵/۲ برابر دو دهه گذشته است و چهار برابر ۵۰ سال پیش. بین ۴۰ تا ۶۰ درصد ازدواج‌های تازه در آمریکا به طلاق می‌انجامد. ۲۰ درصد در پنج سال اول، ۳۳ درصد در ۱۰ سال اول. همچنین در حدود ۲۵ درصد بچه‌های ۱۶ سال یا کوچک‌تر با ناپدری یا نامادری زندگی می‌کنند. برآورد می‌شود که ۹۵ درصد طلاق‌ها در آمریکا در شرایطی انجام می‌شود که طرفین در دادگاه بحث و جدلی ندارند، زیرا راهکارهای رسیدن به توافق پیش از رفتن به دادگاه کارآمد هستند و علاوه بر این، زوج‌ها می‌توانند حتی بدون وکیل یا فرد واسطه دیگر، در مورد مسائلی چون حضانت و اموال به توافق برسند.

در آمریکا بالا رفتن سن و تحصیلات باعث افزایش امکان ثبات یک ازدواج می‌شود. ۸۱ درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی که در سن بالاتر از ۲۶ سال و در دهه ۸۰ با هم ازدواج کرده‌اند، بعد از ۲۰ سال به زندگی مشترکشان ادامه می‌دادند. این رقم برای تحصیل‌کرده‌های زیر ۲۶ سال ۶۵ درصد است. اما تنها ۴۹ درصد افراد با تحصیلات دیپلم که در سنی پایین‌تر از ۲۶ سال در دهه ۸۰ ازدواج کرده‌اند، پس از دو دهه کماکان در کنار هم زندگی می‌کردند. همچنین تحقیقاتی در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ در آمریکا نشان می‌دهد که آمار طلاق در ایالت‌هایی که افکار لیبرال‌تری دارند نسبت به ایالت‌های محافظه‌کار به مراتب کمتر است. این تحقیق علت احتمالی را در تمایل زوج‌ها برای دیرتر ازدواج کردن با یکدیگر در ایالت‌های لیبرال‌تر می‌داند.

در مجموع در آمار ازدواج ایالات متحده از ۱۹۷۰ تاکنون ۳۰ درصد کاهش داشته است، در حالی که در همین زمان آمار طلاق تا ۴۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در آمریکا زن‌ها گشاینده ۶۵ درصد پرونده‌های طلاق هستند. در این کشور بیش از ۴۰ درصد ازدواج‌ها در طول ۱۳ سال اول به طلاق می‌انجامد و ۲۰ درصد نیز در پنج سال اول. ۷۵ درصد آمریکایی‌ها پس از طلاق دوباره ازدواج می‌کنند که ۶۵ درصد این ازدواج‌ها نیز به طلاق می‌انجامد.

برچسب ها : طلاق ، طلاق در کشورهای دیگر



این مطلب را در شبکه های اجتماعی به اشتراک بگذارید :

### نظر شما

نظرات پس از تأیید نمایش داده می شوند. نظرات ارسالی نباید حاوی عبارات نامناسب، توهین به نظام یا مقدسات و یا دارای بار حقوقی باشند.



نام و نام خانوادگی :

ایمیل :

نظر :

کد امنیتی :



لطفا عدد

چهاررقمی بالا را درون کادر وارد نمایید

ارسال نظر

کلیه حقوق این وب سایت محفوظ و متعلق به ماهنامه سپیده‌دانی است.

تمامی کالاها و خدمات این فروشگاه حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت این سایت تابع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است.

